

## ۲ مهر / عید قربان

# قهرمان پولادین رسالت

- ابراهیم! به دو دست خویش، کارد بر حلقوم اسماعیل بنه و بکش!  
مگر می توان با کلمات، وحشت این پدر را در ضربه آن پیام وصف کرد؟  
اسماعیل، برای ابراهیم، تنها یک پسر، برای پدر، نبود؛  
پایان یک عمر انتظار بود؛  
پاداش یک قرن رنج؛  
ثمره یک زندگی پر ماجرا؛  
تنها پسر جوان یک پدر پیر؛  
و نویدی عزیز، پس از نومیدی تلخ.  
برای ابراهیم اسماعیل بود. اسماعیل تو، شاید خودت باشی، شاید  
خانوادهات باشد، یا شغلت، ثروت، حیثیت... چه می دانم؟  
برای ابراهیم، پسرش بود. آن هم چنان پسری، برای چنان پدری!  
ابراهیم، بنده خاضع خدا، برای نخستین بار در عمرش، از وحشت می لرزد.  
قهرمان پولادین رسالت ذوب می شود، و بتشکن عظیم تاریخ، درهم  
می شکند. از تصور پیام، وحشت می کند.  
اما، فرمان فرمان خداوند است.  
جنگ! بزرگترین جنگ، جنگ در خویش، جهاد اکبر!  
فاتح عظیم ترین نبرد تاریخ، اکنون آشفته و بیچاره!  
جنگ، جنگ میان خدا و اسماعیل، در ابراهیم...  
دشواری انتخاب!  
کدامین را انتخاب می کنی؟ ابراهیم!  
خدارا خود را؟ پیوند را ارزش را؟ مصلحت را یا حقیقت را؟ ماندن را  
یا رفتن را؟ پدری را یا پیامبری را؟...  
منبع: شریعتی، علی. تحلیلی از مناسک حج (مجموعه آثار). الهم، ۱۳۶۲.

## ۷ مهر / ولادت امام علی نقی (ع)

در «لغتنامه دهخدا» و «فرهنگ معین» برای «نقی» نظیف و پاکیزه، برگزیده و  
خلاص و برای «هادی» راهنماینده، مرشد و هدایت کننده آمده است. امام  
علی النقی (ع) در نیمة ذی الحجه سال ۲۱۴ قمری در روستای «صریبا» در  
نزدیکی مدینه به دنیا آمد. ایشان در کودکی و هشت سالگی به  
امامت رسید. مدت امامت علی بن محمد ۳۳ سال بود.  
امام به دستور متوکل، خلیفة عباسی، در ۲۳ رمضان سال  
۲۳۳ قمری وارد سامرا شد.  
از برجسته‌ترین اصحاب و شاگردان امام علی النقی (ع) می‌توان  
به عبدالعظيم حسنی، حسن بن راشد و عثمان بن سعد عمری  
شاره کرد. سرانجام امام علی النقی (ع) به دستور معتز، خلیفة  
دیگر عباسی، در روز سوم رجب سال ۲۵۴ در سن ۴۱ سالگی  
در زندان به شهادت رسید. امام علی النقی (ع) می‌فرمایند:  
«خود پسندی مانع تحصیل علم است و انسان را  
به سوی ندانی و خواری می کشاند».  
[میزان الحكمه، ج ۶: ۴۶].

## در پناه مدرسه

باز آمد بوی ماه مدرسه  
بوی بازی‌های راه مدرسه

بوی ماه مهر ماه مهربان  
بوی خورشید پکاه مدرسه

از میان کوچه‌های خستگی  
می‌گریزم در پناه مدرسه

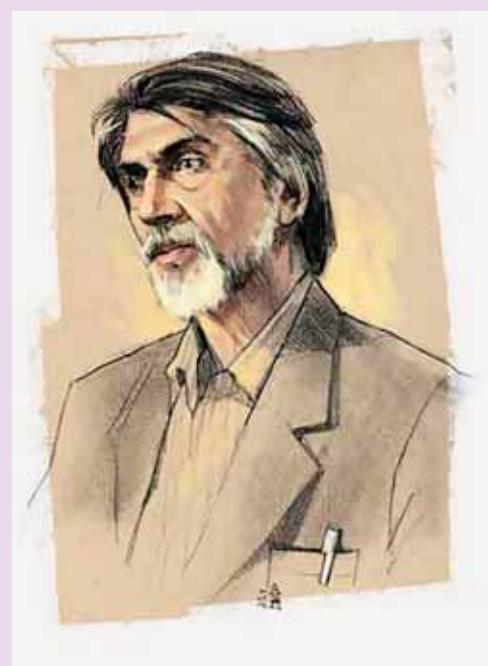
باز می‌بینم ز شوق بچه‌ها  
اشتیاقی در نگاه مدرسه

زنگ تفریح و هیاهوی نشاط  
خنده‌های قاه قاه مدرسه

باز بوی باغ را خواهم شنید  
از سرود صبحگاه مدرسه

روز اول لاله‌ای خواهم کشید  
سرخ بر تخته سیاه مدرسه

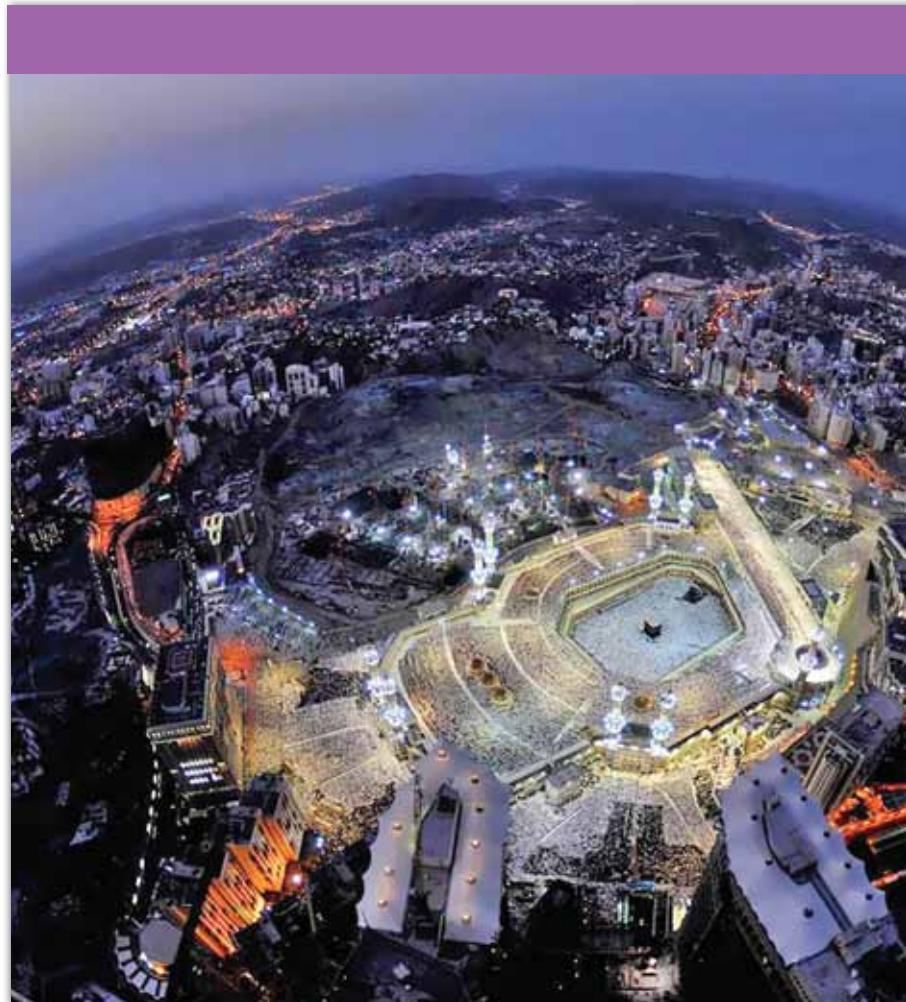
قیصر امین پور



## ۸ مهر / بزرگداشت مولانا

۱۸ بیت نخست «مثنوی معنوی» به «نی‌نامه» شهرت دارد. نی‌نامه یا بهتر بگوییم مثنوی، با بیت: «بشنو از نی چون حکایت می‌کند/ از جدایی‌ها شکایت می‌کند» آغاز می‌شود. «نی‌نامه» شرح هجران و فراق انسان و تلاش بی‌وقفه او برای رسیدن به اصل خوبیش است. مولانا در کتاب مثنوی معنوی، ۴۲۴ داستان را پی در پی به شیوه تمثیل بیان می‌کند. هر داستان داستان دیگری را به دنبال دارد و آخرین داستان، «شاهزادگان و دژ هوش ربا»، با وفات مولوی ناتمام می‌ماند. مثنوی از ۲۶ هزار بیت و شش دفتر تشکیل شده است.

جلال الدین محمد بلخی در ۶۰۴ ربیع الاول سال (برابر با ۱۵ مهرماه) در بلخ زاده شد و غروب روز یکشنبه ۵ جمادی الآخر در ۶۷۲ قونیه در گذشت. آثارش عبارت‌اند از: مثنوی معنوی، غزلیات شمس، رباعیات، فیه ما فيه، مکاتیب و مجالس سبعه.



## ۱۰ مهر / عید غدیر خم

### آخرین وادی

در آخرین وادی، غدیر خم، مکانی در نزدیکی «جحفه»، جایی که راه اهالی مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا می‌شود، زیر آن آفتاب داغ خطبه غدیر را روایت کرد: «آن که من مولای او هستم، علی هم مولای اوست. پروردگارا دوست بدار کسی را که علی را دوست بدارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن بدارد.» این را همه شاهد بودند، همه کسانی که در آخرین حج پیامبر(ص)، حجه‌الوداع، حضور داشتند. همه کسانی که بارها از رسول خدا شنیده بودند: «او برادر من است. او خود من است. تکرار من و من رسول مهربانی خدایم.» و چقدر با شکوه بود، لحظه‌ای که کنار خدیجه ایستادی و در چشمان محمد نگریستی و اولین کلام عشق را بدون هیچ هراسی به زبان جاری کرد: «شهادت می‌دهم به یگانگی خداوند و شهادت می‌دهم که محمد رسول خداست.» تاریخ هیچ‌گاه از یاد نمی‌برد آن هنگام را که رو به پیامبر خدا فرمودی: «یا رسول الله من در بستر شما می‌خوابم، و به استقبال شمشیرهایی که بر شما فرود می‌آید می‌روم.» اما اکنون بعد از سه ماه گرد فراموشی بر گوش و هوش مردم نشسته است؛ همان‌ها که وقتی نام خود را به عنوان اولین مرد مؤمن ثبت کردی، کوکی‌ات را بهانه کردند و بعد از رحلت پیامبر(ص) جوانی‌ات را دستاویز قرار دادند.

